

معرفی دوره‌های زمانی پس از نزول وحی و جایگاه آن در تحریف لفظی قرآن



کاظم استادی*

مقاله پژوهشی

10.22034/JKSL.2022.333312.1072

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

چکیده

یکی از موضوعاتی که مباحث «عدم تحریف قرآن» را مه‌آلود و شاید غیردقیق نشان می‌دهد، پرداختن به موضوع تحریف یا عدم تحریف قرآن، بدون مشخص نمودن محدوده‌ی زمانی بحث «تحریف قرآن» است. از سوی دیگر دسترسی ما به قرآن، دوره‌های زمانی مختلفی را طی کرده است که ماهیت و نوع بررسی آن‌ها، می‌تواند در موضوع تحریف، دارای نتایج متفاوتی باشد. این تفاوت به گونه‌ای است که پاسخ‌گویی به عدم تحریف قرآن، دلایل و اسناد متفاوتی را نیز از دو سوی منازعه، طلب می‌کند؛ به این معنی که اگر موضوع تحریف قرآن را یک کل در نظر بگیریم، برخی از دلایل قائلان به عدم تحریف قرآن، جزئی است و نمی‌تواند مرتفع کننده‌ی آن ادعای کلی باشد. بنابراین، تقسیم‌بندی و معرفی دوره‌های زمانی برای دسترسی به قرآن کریم از صدر اسلام تا کنون، بسیار ضروری است. یعنی لازم است تا بررسی و پژوهش شود، چه دوره‌های زمانی، برای بررسی دقیق مصادیق «انحراف لفظی حذفی قرآن» قابل طرح هستند؟ و این دوره‌های زمانی چه مختصات و ویژگی‌هایی در خود دارند؟ در پژوهش پیش‌رو، پنج دوره زمانی، طرح و معرفی می‌گردد تا نسبت و جایگاه آن‌ها با مسئله تحریف لفظی حذفی قرآن، روشن گردد.

واژگان کلیدی: قرآن، تحریف مصحف، تحریف لفظی، دوره‌های تحریف.

مقدمه

به باور بیشتر مسلمانان، قرآن مجید، کلام خداوند متعال است؛ که از طریق انواع وحی در اختیار پیامبر اسلام ﷺ قرار گرفته است. بیشتر علما و اندیشمندان اسلامی چهارده قرن گذشته، محتوا و الفاظ قرآن را از سوی خداوند می‌دانند؛ و به همین دلیل، اعتبار و اهمیت ویژه‌ای برای آیات قرآن قائل هستند.

در این میان، طبق اسناد موجود از حدود پایان قرن چهارم تاکنون، برخی از علمای شیعه و سنی، شناخته شده‌اند که از احتمال حذف و تغییر در مصحف قرآن عثمانی سخن گفته‌اند؛ و غالباً با اتکا بر بعضی روایات، از این مسئله حمایت کرده‌اند. از سوی دیگر، برای دفع این نظریه، نوشته‌های مستقل و غیرمستقلی نگارش یافته، که نسبت به طول زمان، به نظر بسیار اندک می‌رسند. همچنین در میان غربیان نیز، طرح این گونه مباحث یافت می‌شود؛ که البته در دوره‌ی معاصر پر رنگ‌تر شده، و تعدادی از اندیشمندان غربی، علاقمند به بررسی باستانشناسی نسخ قرآن و طرح مسئله تحریف آن شده‌اند.

از سوی دیگر، نوشته‌ها، مقالات و کتاب‌های بسیاری درباره‌ی مسئله تحریف و عدم تحریف قرآن نگارش یافته؛ که کتابشناسی مفصلی در این زمینه و در دهه‌ی گذشته، با معرفی حدود پانصد اثر، منتشر شده است (نک: استادی، ۱۳۹۶ش: سراسر متن).

تحریف و یا عدم تحریف کتب آسمانی را می‌توان با دو رویکرد دنبال نمود: به دلایل عقلی، معتقد شویم قرآن کریم قابل تحریف نبوده و نمی‌باشد. بنابراین، خود را مبرا از منازعات تاریخی و ادبی پیرامون تحریف نماییم؛ و با اتخاذ این رویه، به مصادیق انواع انحراف وحی در دریافت و ابلاغ آن نپردازیم.

یا صرف‌نظر از این که آیا می‌توان دلایلی عقلی برای عدم تحریف کتب آسمانی، بویژه قرآن کریم، تبیین نمود یا خیر، با روشی «تاریخی» یا «تاریخمند» به بررسی همه جانبه و جزئی موضوع «تحریف کتب آسمانی» بپردازیم.

در صورت دوم؛ می‌توان با توجه به مراحل مختلفی که برای تحریف کلام الهی متصور است، مرحله‌ای را نیز برای «تحریف مصحف» در نظر گرفت و این تحریف را شامل دو بخش «لفظی» و «غیرلفظی» تعریف نمود، و حالاتی را برای آن در نظر گرفت.

اگر برخی از مدعیان تحریف کتب آسمانی همانند قرآن، رویکرد دوم را برگزینند و دلایلی را با توجه به این رویکرد ارائه دهند؛ قانع کننده به نظر نمی‌رسد که منکران تحریف،



بدون توجه به این رویکرد و دلایل تاریخی آن، پاسخ‌هایی کلی و عقلی ارائه دهند. این موضوع به آن می‌ماند که فردی به دلایل تجربی و قابل آزمایش و تاریخ‌مند، ادعا کند در لحظه‌ای، حافظ کل قرآن شده است (مرادی، ۱۳۸۸: سراسرمتن) و افرادی دیگر، به صورت کلی و عقلی این موضوع را رد می‌کنند و می‌گویند حفظ یک کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای در یک لحظه، بدون مطالعه و تکرار، امکان ندارد.

در هر صورت، مسئله‌ی عدم تحریف قرآن، نیاز به جزئی‌نگری‌ها و لوازم خاص خود را دارد؛ و حتی پیش‌فرض‌های خاص خود را می‌طلبد (استادی، ۱۳۹۳: ۵۳۵)؛ و در این بین، یکی از مسائلی که می‌توان دقت استدلال‌ها و مسائل پیرامون تحریف یا عدم تحریف قرآن را بالا برد، توجه به دوره‌های زمانی از ابتدای نزول قرآن، تا کنون است؛ که شناسایی و تفکیک آن‌ها و مسائلی که در هر دوره تأثیرگذار هستند، بسیار مهم است. بنابراین، لازم است بررسی و پژوهش شود، چه دوره‌های زمانی، برای بررسی دقیق مصادیق «انحراف لفظی حذفی قرآن» قابل طرح هستند؟ و این دوره‌های زمانی چه مختصات و ویژگی‌هایی در خود دارند؟

در پژوهش پیش‌رو، پنج دوره‌ی زمانی، طرح و معرفی می‌گردد تا نسبت آن‌ها با مسئله‌ی تحریف لفظی حذفی قرآن، روشن گردد.

۱- دوره‌ی نزول وحی تا قبل از کتابت قرآن کریم

قبل از تبیین و توضیح این دوره، ذکر دو نکته ضروری است:

نکته‌ی اول: همان‌گونه که می‌دانیم، جدای از فرض نزول دفعی قرآن کریم، که جمعی اندیشمندان از جمله: عامر شعبی، شیخ مفید، سید مرتضی، زمخشری، ابن شهر آشوب و بیضاوی، آن را انکار کرده‌اند و برخی هم شبهاتی مطرح نموده‌اند (نک: ناصحان، ۱۳۸۴ش، سراسرمتن)؛ نزول تدریجی قرآن کریم بیشتر مورد تأیید دانشمندان اسلامی می‌باشد؛ از جمله شیخ صدوق، فیض کاشانی، علامه مجلسی، ابو عبدالله زنجانی، محمدجواد بلاغی، علامه طباطبایی و بسیاری از علمای اهل سنت (سیوطی، ۱۳۰۶ق، ج ۱، ۱۴۶ - ۱۴۹).

نکته‌ی دوم: درباره‌ی خواندن و نوشتن رسول اکرم ﷺ سه نظر مطرح است:

۱- پیامبر ﷺ اصلاً نخواند و نوشت، یعنی وی امی است؛ و این معنی، از کلمه «امی» و برخی دلایل روایی دیگر اتخاذ شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ۲۲۰؛ صاحب بن عباد، بی‌تا، ج ۲: ۴۸۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۱۰۴؛ طبری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۷: ۲۷۳).

۲- پیامبر ﷺ خوانده است؛ ولی نوشته است (نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۱۳۵).

۳- پیامبر ﷺ هم خوانده و هم نوشته است؛ بعضی اندیشمندان، همانند سید مرتضی، باور دارند که حضرت پیامبر ﷺ، در دوران رسالت خود، هم می‌خوانده و هم مینوشته است (همان).

مشهور آن است که پیامبر ﷺ سواد نوشتن نداشته است (طبری، ۱۴۰۰، ج ۱۲: ۸۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۲۸؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۴: ۲۷۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۴: ۲۸۳؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۲۱؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲، ج ۸: ۱۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۱۴۱۵؛ آندلسی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۸۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۴۰۴) به عنوان نمونه، طبری روایتی را از پیامبر ﷺ آورده که فرمودند: «ما امتی، اقی هستیم که نمی‌توانیم بنویسیم و حساب کنیم» (طبری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۴۱۷؛ همچنین نک: واثقی راد، ۱۳۹۱: سراسرمتن).

از آن سو، برخی از اقوال و نیز روایات از اهلبیت علیهم‌السلام وارده شده که پیامبر ﷺ می‌توانسته‌اند بخوانند و بنویسند؛ در هر حال و بر فرض، اگر بپذیریم که ایشان سواد نوشتن داشته‌اند (نک: بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۳۳۲)، حداقل می‌توان گفت شواهد تاریخی و قرآنی، مؤید این قول هستند که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به «هیچ وجه» تا زمان بعثت خود، چیزی ننوخته‌اند. قرآن نیز با صراحت درباره‌ی وضع پیامبر ﷺ قبل از بعثت می‌گوید: «وَ مَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لِآرْتَابِ الْمُبِطُلُونَ»؛ پیش از این نه کتابی می‌خواندی و نه با دست خود چیزی می‌نوشتی، تا موجب تردید دشمنانی که می‌خواهند سخنان تو را ابطال کنند گردد (عنکبوت: ۴۸).

در این میان، شاید بتوان این نظرها را به این نحو جمع کرد که، اگر بر فرض، پیامبر ﷺ خواندن و نوشتن می‌دانسته، اما ایشان چیزی ننوخته است.

از دو نظر مشهورتر که قبلاً گذشت و نظر احتمالی اخیر، و نیز با توجه به دو نکته‌ای که ابتدا بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت: دوره‌های از زمان بعثت پیامبر ﷺ، یعنی از شب ۲۷ ماه رجب سال اول بعثت، تا نگارش و کتابت اولین نوشته‌ها از قرآن کریم، که تاریخ آن

۱. دیدگاه مشهور اهل سنت، این است که وقوع بعثت پیامبر ﷺ در ماه رمضان رخ داده است. اما بر اساس احادیث صحیح از پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام و به تبع ایشان، رأی بزرگان امامیه بر این است که بعثت پیامبر ﷺ در ۲۷ رجب اتفاق افتاده است. (نک: مفید، ۱۴۱۳ق، ۳۷۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ۸۱؛ مجلسی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۶، ۳۶۵).



مشخص نیست، «قرآن» (فارغ از این که چه آیاتی، ابتدا بر پیامبر ﷺ نازل شده است)، ۲ نگارش و کتابت نشده است.

بنابراین؛ از این دوره‌ی هر چند کوتاه، خواه یک روز باشد یا چندین سال، با عنوان: «دوره‌ی نزول وحی تا قبل از کتابت قرآن کریم» یاد می‌کنیم.

۲- دوره کتابت بخشی از مصحف تا کتابت کامل

(دوره‌ی حضور پیامبر ﷺ و کتابت بخشی از مصحف قرآن کریم تا کتابت کامل و جمع و تدوین آن)

به نظر می‌رسد آنچه مسلم است؛ جمع و تألیف مکتوب قرآن کریم میان دو جلد و به شکل کنونی، در یک زمان اندک صورت نگرفته، بلکه به مرور زمان و به دست افراد و یا گروه‌های مختلف انجام شده است (برای اطلاع بیشتر نک: زرکشی، ۱۴۰۸، ج۱: ۲۹۵؛ خوبی، ۱۴۰۱: ۲۳۰-۲۵۹؛ بلاغی، بی‌تا: ۱۹؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۰۷-۱۳۸؛ عسکری، ۱۴۱۶، ج۱: ۸۴-۹۱). «وَفَرَّأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْتَبٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا»؛ قرآنی بخش بخش، نازل کردیم؛ تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم. (اسراء: ۱۰۶).

در این که پس از نزول وحی، پیامبر اکرم ﷺ آیات قرآن را برای برخی از اصحاب خویش، املا می‌کردند و آنان آیات را فرا گرفته و کتابت می‌نمودند، ظاهراً اختلافی نیست (نک: مسعودی، ۱۹۸۵، ج۳: ۴۵). اما، موضوع جمع و تدوین قرآن در میان دانشمندان علوم قرآنی، همواره مورد اختلاف بوده است. عده‌ی قابل توجهی از محققان، نظریه‌ی جمع و تدوین قرآن در عهد ابوبکر یا عمر (سیوطی، ۱۳۰۶: ۴۳۰)، و تکمیل آن در زمان عثمان را پذیرفته‌اند؛ از میان محققان شیعه در قدیم، علامه طبرسی در *تفسیر مجمع البیان* و از معاصران، سید

۱. اطلاع دقیقی از اولین نگارش کلام وحی وجود ندارد. اخباری کلی درباره این که هیچ آیه‌ای نازل نشده است مگر این که حضرت علی رضی الله عنه مشغول به نگارش آن شده، وجود دارد؛ اما محدودی زمانی این نگارش مشخص نیست که از ۲۷ رجب سال بعثت آغاز شده است یا سالهای بعد. و نیز از شواهد تاریخی، مشخص نیست که علی رضی الله عنه در سن ده سالگی و در دامان پیامبر ﷺ که هرگز نوشته است، چگونه سواد نوشتن یاد گرفته است. (نک: زنجانی، ۱۴۰۴: ۴۲؛ ۱۴۰۳: ۴۵۷؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج۹: ۳۳۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج۲: ۹۹؛ رامیار، ۱۳۸۰، ۲۶۴؛ معرفت، ۱۳۸۱: ۲۷).

۲. درباره اولین آیات نازل شده بر پیامبر(ص) سه نظر وجود دارد: ۱. گروهی معتقدند که اولین آیات سه یا پنج آیه از اول سوره «علق» بوده است. (عسکری، ۱۴۰۹: ۱۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱۸: ۲۰۶ و ج۹۲: ۳۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج۲: ۴۷۸؛ مسلم، بی‌تا، ج۱: ۹۷؛ بخاری، ۱۴۰۱، ج۱: ۳؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج۲: ۶۲۸؛ صدوق، ۱۳۹۰، ج۲: ۶) ۲. گروهی نخستین آیات نازل شده را سوره «مدر» می‌دانند. (مسلم، بی‌تا، ج۱: ۹۷؛ احمدبن حنبل، ۱۴۱۶، ج۳: ۳۰۶؛ زرکشی، ۱۴۰۸، ج۱: ۲۰۶) ۳. گروهی اولین آیات نازل شده را سوره «فاتحه» می‌دانند. (طبرسی، ۱۴۱۵، ج۱۰: ۴۰۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج۴: ۷۷۵؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۹: ۱۱) همچنین نک: معرفت، ۱۳۹۰: ۴۲.

عبدالله زنجانی در *تاریخ القرآن*، علامه طباطبایی در *قرآن در اسلام* و آیت الله معرفت در *التمهید فی علوم القرآن* نیز همین دیدگاه را مطرح کرده و پذیرفته‌اند.

برخی نیز عقیده دارند که عثمان برای یکسان‌سازی مصاحف، در واقع کاری جز استنساخ مهم‌ترین مصاحف موجود در مدینه انجام نداد؛ به عنوان نمونه، تئودور نلدکه روایات جمع ابوبکر را چندان استوار نمی‌داند، و می‌کوشد تا برخی نقاط ضعف متنی و تاریخی آن‌ها را آشکار کند (نلدکه، ۱۳۸۴: ۷۰).

عده‌ای دیگر نیز، جمع و تدوین قرآن را به دوران حضور پیامبر ﷺ منسوب می‌دانند؛ همانند: قاضی و ابن‌الأنباری و سید مرتضی. (نک: معرفت، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۲۸۳) همچنین، آیت‌الله خوبی در *البیان فی تفسیر القرآن* با نقد روایات ابوبکر و حتی روایات جمع عثمان، و نشان دادن تناقض‌های درونی آن‌ها، این دیدگاه را ضعیف دانسته و با استناد به برخی دلایل متنی و کلامی، جمع قرآن را به زمان پیامبر اکرم بازگردانده‌اند (نک: خوبی، ۱۴۰۱: ۲۳۹ - ۲۵۹). این اختلاف‌نظر، در میان محققان غربی نیز وجود دارد؛ یعنی غربیان نیز در ارایه‌ی تصویری کامل از موضوع جمع قرآن، هم‌داستان نیستند. به عنوان مثال؛ برخی چون «جان برثن» با رد تمام روایات جمع ابوبکر و عثمان، به جمع قرآن در عهد پیامبر ﷺ قائل شده‌اند (نک: ریپین، ۱۳۷۹ و گراهام، ۱۳۷۹: سراسرمتن).

شاید در میان این چند ادعا، بتوان گفت: قرآن کریم در زمان‌های مختلفی جمع‌آوری گردیده است. یکی از این جمع‌آوری‌ها یا استنساخ نسخ، نیز در زمان عثمان صورت گرفته (سیوطی، ۱۴۰۸، ج: ۱، ۱۷۰؛ ابن جزری، بی‌تا، ج: ۸)، که اکنون به «جمع عثمانی» معروف است. به عبارت دیگر، گروه «توحید مصاحف» در سال ۲۵ هجری به دستور عثمان تشکیل شد. تمام نوشته‌های قرآنی از اطراف و اکناف جمع‌آوری و قرآن‌های متفرقه، به دستور خلیفه نابود و سپس مصاحف استنساخ شده‌ی جدید، به مناطق و مراکز مهم اسلامی ارسال شدند (معرفت، ۱۳۷۱، ج: ۱، ۴۲۵).

اما جمع قرآن کریم، چه در زمان پیامبر ﷺ انجام شده باشد (نک: ناصحان، ۱۳۹۰: سراسرمتن) و چه پس از رحلت ایشان توسط حضرت علیؓ (به عنوان نمونه نک: ابن‌الندیم، ۱۳۹۸: ۴۷-۴۸؛ سیوطی، ۱۴۰۸، ج: ۱، ۵۷) یا دیگر اصحاب جمع شده باشد و یا حتی در زمان ابوبکر یا عثمان رخ داده باشد؛ تفاوت «دلالی» چندان زیادی در ترسیم و تأیید این دوره‌ی خاص مورد نظر ما، نمی‌تواند داشته باشد.

بنابراین، اگر جمع قرآن کریم توسط پیامبر ﷺ یا به دستور ایشان و در زمان حیات



ایشان انجام شده باشد، این دوره، به صورت مشخص از زمان (غیرمعلوم) نگارش اولین متن از قرآن کریم، آغاز و حداکثر تا ۲۸ صفر سال یازدهم، زمان رحلت پیامبر ﷺ را شامل خواهد شد؛ هر چند که تاریخ دقیق وفات پیامبر ﷺ روشن نیست. قول معروف و مشهور شیعه ۲۸ صفر سال دهم یا یازدهم، و قول معروف و مشهور اهل سنت، ۱۲ ربیع‌الاول مییاشد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج: ۱؛ ۵۶۸؛ طبری، ۱۳۷۵، ج: ۴؛ ۱۳۲۴؛ یعقوبی، بی‌تا، ج: ۲؛ ۱۱۳؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج: ۲؛ ۲۹۷؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج: ۳؛ ۱۱۲۰)؛ و برخی دوم ربیع‌الاول را صحیح می‌دانند (تاری، ۱۳۸۰: سراسرمتن).

همچنین، اگر جمع و تدوین قرآن مکتوب، پس از رحلت پیامبر ﷺ و در زمان ابوبکر، عمر یا عثمان صورت گرفته باشد، این دوره‌ی خاص، با اضافه شدن حدود حداکثر ۲۵ سال، یعنی به سال ۳۵ هجری، قابل ترسیم و شناسایی خواهد بود؛ یعنی دشوار نیست که زمان تقریبی رویداد این حوادث را پیدا کنیم. زمان لشکرکشی حذیفه به ارمستان و آذربایجان را عموم مورخان در سال ۳۰ هجری دانسته‌اند. و اگر ابن‌مسعود تا زمان تدوین و نگارش نسخه‌ی عثمان زنده بوده، در آن صورت این نسخه می‌بایست پیش از سال ۳۲ یا ۳۳ هجری، یعنی سال وفات ابن‌مسعود آماده شده باشد. اما دیرترین زمان ممکن برای نهایی شدن نسخه، زمان مرگ عثمان در ۱۸ ذی‌الحجه، پایان سال ۳۵ هجری است (نُلدکه، ۱۳۸۴: ۷۰). هر چند، کسانی چون جان وُنزُرو و کرونه این زمان را بسیار متأخر می‌دانند و حتی تثبیت نهایی آن را در اواخر قرن دوم هجری تصویر می‌کنند (ریپین، ۱۳۷۹: ۱۹۰؛ گراهام، ۱۳۷۹: ۴۶).

البته، صرف نظر از دیدگاه شاذّ آخر، هر چند که دیدگاه‌های دیگر در جمع قرآن، تفاوت زمانی زیادی با هم ندارند، اما نتیجه‌ی قبول هر کدام از آنها، می‌تواند در تعیین مصادیق «حذف لفظی» بین محققین در مذاهب مختلف اسلامی متفاوت باشد. به عنوان نمونه؛ محدث نوری می‌نویسد:

علاوه بر قرآن موجود، که به هیچ نحو از زمان گردآوری تا کنون در آن دخل و تصرف نشده، برخی آیات دیگر بر رسول خدا نازل شده که در هنگام گردآوری قرآن، آن‌ها را در این مجموعه نیاورده‌اند و یا برخی جملات و کلمات برخی آیات را در این مجموعه نیاورده‌اند (نوری، ۱۴۰۸، مقدمه، ص «ی»: تهرانی، ۱۹۷۵، ج: ۴؛ ۲۴۳ و ج: ۱۶؛ ۲۳۱ و ج: ۱۸؛ ۹ و ج: ۲۴؛ ۲۷۸ و ج: ۱۰؛ ۲۲۰؛ همچنین نک: استادی، ۱۳۸۶: ۱۰).

بنابراین باید در مسئله تحریف قرآن بین علما، میان این دو قول دقت نمود: ۱- از

زمان عثمان که قرآن به صورت فعلی گردآوری شده، هیچ تغییری نکرده است. ۲- از روز نزول قرآن، هیچ تغییر و حتی نقصی در قرآن مجید، پیدا نشده است. قول اول، با این که در فاصله نزول و گردآوری، آیاتی حذف شده و به اصطلاح، نقصی بر قرآن وارد شده باشد، منافاتی ندارد، و همان گونه که پیشتر اشاره شد، برخی از علما به قول اول تصریح کرده‌اند؛ همانند: علامه مجلسی و ملا صالح مازندرانی و ... (نک: استادی، ۱۳۸۶: ۲۶). البته این، جدای از آن است که برخی معتقدند؛ تحریف به کاستی، به اعتبار قرآن زیان نمی‌رساند؛ زیرا این کاستی‌ها منحصر به مواردی خاص از آیات قرآن، همانند موضوع امامت است (نک: انصاری، ۱۴۱۶، ج: ۱؛ ۱۵۸؛ آخوند خراسانی، ۱۳۶۴، ج: ۲؛ ۶۳). و از آن‌جا که اعتبار قرآنیت مصحف کنونی برای هدایت‌گری انسان‌ها کفایت می‌کند و در روایات نیز، همین مصحف مورد تأکید قرار گرفته، بنابراین، ادعای تحریف قرآن، به «قرآنیت مصحف» صدمه نمی‌زند (فیض کاشانی، ۱۴۰۲، ج: ۱؛ ۵۱-۵۲).

۳- دوره‌ی وجود کتابتِ کاملِ مصحف تا ابتدای غیبت کبری

همان‌طور که پیشتر بیان شد، در زمان «جمع قرآن میان دو جلد» اختلاف است. بنابراین «دوره‌ی وجود کتابتِ کاملِ مصحف قرآن تا ابتدای دوره‌ی غیبت کبری» شامل محدوده‌ی زمانی حدود سال ۱۱ تا ۳۵ هجری قمری تا حداقل حدود سال ۳۲۹ هجری قمری است، که امام زمان علیه السلام پس از غیبت صغری از نظرها غایب شدند و دسترسی آشکار به امام معصوم علیه السلام امکان پذیر نیست.

در این سه قرن، جدای از منازعات قبلی پیرامون مسئله‌ی تدوین و جمع قرآن، منازعات جدیدی در اختلاف قرائت قرآن به وجود آمد؛ که برخی از موارد آن، بدون شک شامل موضوع تحریف قرآن خواهد بود (استادی، ۱۳۹۴: سراسرمتن).

اگر از همه‌ی ابهاماتی که گذشت، فعلاً صرف‌نظر کنیم؛ دوره‌ی «سوم» را می‌توان به دو بخش زمانی از جهت کتابت، تقسیم نمود:

۳-۱- بخش اول (پس از خلفا تا ابتدای خلافت عباسیان)

بخش اول از «دوره‌ی وجود کتابتِ کاملِ مصحف قرآن کریم تا ابتدای دوره‌ی غیبت کبری» شامل دوران پس از خلفا (۴۰ق) تا ابتدای دوره‌ی خلافت عباسیان (۱۳۲ق) است؛ که سومین خلافت اسلامی و دومین سلسله اسلامی اطلاق می‌شود. خلافت عباسی توسط خاندان عباسی، یعنی نوادگان عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر، که از بنی هاشم بود



در سال ۱۳۲۲ق در حران تأسیس و مرکز این خلافت بعدها از حران به بغداد منتقل شد. قدرتمندترین فرمانروای خاندان بنی‌عباس هارون الرشید است که در زمان او قلمرو خلافت بنی‌عباس در اوج وسعت قرار داشت.

در این دوره، قبل از خلافت عباسیان، وضعیت کتابت و ملزومات کتابت، در فقر و رکود به سر می‌برد. به همین سبب، ممکن است مناقشات فراوانی در استناد مصحف قرآن، ایجاد شود.

اضافه بر آن، وجود تعداد نسخه‌های (احتمالاً با ابهام و مناقشه) قرآن، بسیار محدود و شاید انگشتشمار بوده است، و اگر ترویج و پاسداشت قرآن در این دوران، مطرح باشد، تنها منوط به حفظ حافظه‌های قرآن کریم است.

اکنون و در زمان ما، مصحف کاملی (که از «بسم الله» سوره فاتحه تا «من الجنة و الناس» سوره ناس در آن وجود داشته باشد) از دوران جمع قرآن یا یکسان‌سازی قرآن در صدر اسلام، یعنی قرن اول هجری قمری، از کاتبان قرآن کریم باقی نمانده است؛ یا حداقل، فعلاً در دسترس نیست. هر چند ممکن است در آینده کشف گردد.

همچنین، قدیمیترین برگه یا چند برگه از نسخه خطی از آیات قرآن کریم، فعلاً (طبق آنچه باستان‌شناسان گفته‌اند) مربوط به مجموعه «دست‌نوشته‌های صنعا»^۲ در یمن است، که گفته می‌شود احتمالاً متعلق به حدود نیمه اول قرن اول قمری باشد.^۳

۲-۳. بخش دوم (ابتدای خلافت عباسیان تا غیبت کبری)

بخش دوم مصادف با انقلاب صنعت کتابت و رونق بازار کتاب و کتاب‌نویسی و

۱. کاتبان قرآن را ۴۳ تا ۴۵ نفر شمرده‌اند: از جمله امام علی علیه السلام، ابوبکر، عمر، عثمان، زید بن ثابت، ابی بن کعب و... (نک: زنجانی، ۱۴۰۴: ۴۲؛ شاهین، ۲۰۰۵: ۵۴؛ حجتی، ۱۳۸۶: ۲۰۲).

۲. اشاره به نسخه‌های زیادی از قرآن‌های متعلق به چهار قرن اول اسلام است که در مسجد جامع صنعا کشف شده‌اند. در واقع آنچه کشف شد، قرآن‌های کامل نبوده؛ بلکه دوازده هزار برگه از جنس پوست بوده که متعلق به حدود هزار قرآن است. اما هیچیک از قرآن‌های پوستی، کامل نیستند و از برخی، فقط یک یا چند ورقه باقی‌مانده است. قرآن‌های یافته‌شده، عمدتاً از چهار قرن اول هجری قمری هستند. از آن‌ها بیست و دو قرآن به خط حجازی نوشته شده‌اند، که بیشتر آن‌ها از قرن اول هستند. و قرآن‌های متعدد دیگری به خط کوفی می‌باشند.

۳. یکی از نسخه‌های قرآن یافت شده در صنعا، دارای دو لایه نوشته است: متن رویین با قرآن امروزی یکی است. در حالی که متن زیرین، حاوی گونه‌های متفاوتی از متن استاندارد قرآن است. آزمایش‌های رادیوکربن نشان می‌دهند که این دست‌نوشته، در نتیجه متن زیرین، احتمالاً تا پانزده سال پس از درگذشت پیامبر اسلام نوشته شده است. (نک: Sadeghi, Behnam and Uwe Bergmann. Arabica (Brill Online "The Codex of a Companion of the Prophet and the Qur'an of the Prophet". ۲۰۱۰: ۴۳-۳۶-۲۶).no

Retrieved .no (۲۰۱۰): ۴۳-۳۶-۲۶.

نسخه‌برداری در امپراطوری اسلام است. اکنون، تعدادی از نسخه‌های نفیس (اما ناقص) قرآن که در موزه‌ها نگهداری می‌شوند و برخی از آن‌ها دارای خط‌های بخته و بسیار زیبا و نفیس هستند، مربوط به همین دوره (یعنی حدود سال‌های ۱۳۲ تا ۳۲۹) می‌باشند (نک: رامین‌نژاد، ۱۳۸۸: سراسرمتن).

البته، قدیمی‌ترین نسخه خطی قرآن کامل موجود، از این دوران مشخص نیست. و نخستین نمونه غیر کامل کلام الله، احتمالاً مربوط است به نسخه‌ی «خط کوفی بر روی کاغذ» که متعلق به حدود سال ۳۶۱ قمری است (بیانی، ۱۳۳۸: ۴۵۰).

با وجود این معضل اساسی، یعنی در دسترس نبودن نسخه‌های ابتدایی قرآن کریم - که می‌تواند از جهاتی، «سست کننده‌ی» برخی از ستون‌های باور «عدم تحریف قرآن» باشد؛ مثلاً یکی از این جهات سست کننده، می‌تواند وجود ترتیب قرارگیری سوره‌ها و آیات قرآن باشد- اگر صرفنظر از وجود کامل و قابل استناد یک مصحف، گزاره‌های روایات تاریخی جمع قرآن قابل اسناد بود؛ اکنون می‌توانستیم با استناد به همین روایات تاریخی، «مصحف جدیدی» را تدوین نماییم؛ که ارزش سندی این مصحف جدید، برابر با «مصحف رایج و موجود قرآن» خواهد شد. زیرا این مصحف مشهور موجود نیز، از جهت تاریخی، نسخه‌ی برابر اصل ندارد؛ و اعتبار آن به وجود برخی از روایات پیرامون آن بوده، که در دسترس قرار داشته است.

در هر حال، بعید نیست چنین مفروض باشد که «مصحف کامل قرآن کریم»، از دوران پس از پیامبر ﷺ، نسل به نسل و نسخه به نسخه کتابت شده، اما نسخه‌های کهن و کامل از آن دو یا سه قرن ابتدایی، به دست ما نرسیده است. هر چند ممکن است پیروان ادیان ابراهیمی دیگر، همان اشکالی را که علمای اسلامی به کتب آن‌ها، از جهت تعدد نسخه و تأخیر در نوشتار دارند، به ما وارد کنند (ابن حزم، ۱۴۰۵، ج: ۱۷۷ و ج: ۲: ۱۳ و ۲۱-۲۵؛ امام الحرمین، ۱۴۰۹، ۳۶-۴۳ و ۴۳-۴۵؛ ابن تیمیّه، بی‌تا، ج: ۳۶۸ - ۳۷۰ و ۳۸۰؛ ابن قیّم جوزیه، ۱۴۰۷: ۵۸-۵۹).

به عنوان نمونه، در نسخه‌های خطی موجود در موزه کتابخانه «سالار جونک» حیدرآباد هند، و تناسب معنادار میان تعداد موجود و باقی مانده سوره‌های هر نسخه‌ی قرآن و تاریخ و قدمت نسخ خطی، در جدول ذیل توجه کنید (به نقل از تاریخچه متن قرآن، المصطفی الاظمی):



تعداد سوره‌های قرآن	تاریخ میلادی	سوره‌های موجود در نسخه خطی
۴	اوایل قرن ۹	۱، ۶، ۱۸، ۳۴، ۳۵.
۴	اوایل قرن ۱۲	۶ الی ۹
۵	اوایل قرن ۱۰	۳۶، ۴۸، ۵۶، ۵۹، ۶۲.
۵	اوایل قرن ۱۰	۱، ۶، ۱۸، ۳۴، ۳۵.
۵	اواخر قرن ۱۰	۶، ۳۶، ۴۸، ۵۶، ۶۷.
۵	اوایل قرن ۱۲	۱۸، ۳۶، ۴۴، ۶۷، ۷۸.
۵	اوایل قرن ۱۳	۳۶، ۷۸، ۴۸، ۵۶، ۶۷.
۵	اواسط قرن ۱۷	۳۶، ۴۸، ۵۶، ۶۷، ۷۸.
۵	اواسط قرن ۱۷	۱، ۶، ۱۸، ۳۴، ۳۵.
۵	اواخر قرن ۱۷	۳۶، ۴۸، ۵۶، ۶۷، ۷۸.
۵	اواخر قرن ۱۷	۳۶، ۴۸، ۵۶، ۶۷، ۷۸.
۵	اواخر قرن ۱۸	۳۶، ۴۸، ۶۷، ۷۲، ۷۸.
۵	اواخر قرن ۱۸	۳۶، ۴۸، ۵۶، ۶۷، ۷۸.
۶	اوایل قرن ۱۰	۱، ۳۶، ۴۸، ۵۶، ۷۸، ۶۷.
۶	اواخر قرن ۱۳	۱۸، ۳۶، ۷۱، ۷۸، ۵۶، ۶۷.
۶	اواخر قرن ۱۶	۳۶، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۶۳، ۷۸.
۶	اوایل قرن ۱۸	۱، ۳۶، ۴۸، ۵۶، ۶۷، ۷۸.
۶	اواسط قرن ۱۹	۳۶، ۴۸، ۵۵، ۵۶، ۶۷، ۶۸.
۷	اوایل قرن ۱۱	۳۶، ۴۸، ۷۸، ۵۶، ۶۷، ۵۵، ۷۳.
۷	اواخر قرن ۱۱	۱۸، ۳۶، ۴۸، ۵۶، ۶۷، ۷۸.
۷	اواخر قرن ۱۱	۱۸، ۳۶، ۳۷، ۴۸، ۵۶، ۶۷، ۷۸.
۷	اواخر قرن ۱۲	۳۶، ۴۸، ۵۶، ۶۷، ۷۸، ۵۵، ۶۲.
۷	اواخر قرن ۱۲	۱، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۶۳، ۷۳، ۸۸.
۷	اواخر قرن ۱۳	۳۶، ۴۸، ۷۸، ۵۶، ۶۷، ۵۵، ۷۳.
۸	اوایل قرن ۱۱	۶، ۳۶، ۴۸، ۵۶، ۶۲، ۶۷، ۷۶، ۷۸.
۸	اوایل قرن ۱۱	۱، ۶، ۱۸، ۳۴، ۳۵، ۵۶، ۶۷، ۷۸.
۸	اواخر قرن ۱۱	۳۶، ۴۸، ۵۶، ۶۲، ۶۷، ۷۱، ۷۳، ۷۸.
۸	اوایل قرن ۱۴	۱، ۳۶، ۴۸، ۵۵، ۶۷، ۷۳، ۵۶، ۷۸.
۹	اوایل قرن ۱۲	۲۰، ۲۱، ۲۲، ۶۳، ۲۴ الی ۲۸.
۹	اواسط قرن ۱۷	۷۳، ۵۱، ۶۷، ۵۵، ۶۲، ۱۰۹، ۱۱۲ الی ۱۱۴.
۹	اواسط قرن ۱۸	۱۷، ۱۸، ۳۷، ۴۴، ۵۰، ۶۹، ۵۱، ۸۹، ۳۸.
۱۶	قرن ۱۰ یا ۱۱	۶۲، ۱۱۰، ۱، ۵۷، ۱۱۳، ۵۶، ۹۴، ۱۱۴، ۶۴، ۴۸، ۴۷، ۸۹، ۱۱۲، ۳۶، ۷۸، ۶۷.
۲۹	اوایل قرن ۱۱	۳۶، ۴۸، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۶۷، ۷۶، ۷۸، ۹۳، ۹۴، ۷۲، ۹۷، ۹۹ الی ۱۱۴.

۴- دوره‌ی وجود کتابت کامل از غیبت کبری تا چاپ قرآن

این دوره، شامل محدوده‌ی زمانی حدود سال ۳۲۹ هجری قمری تا حداقل حدود سال ۹۰۵ هجری قمری است، که اولین چاپ کامل قرآن کریم منتشر شده است. البته در تاریخ اولین چاپ از قرآن کریم اختلاف است؛ و آن را بین سال‌های ۱۴۹۹، ۱۵۰۳، ۱۵۰۸ و یا سال‌های ۱۵۳۰ تا ۱۵۴۳ میلادی ذکر کرده‌اند. اما گفته‌اند اولین چاپ از قرآن کریم به وسیله‌ی عده‌ای نابود شده است. بنابراین؛ آن چه برای ما مهم است و در استناد قرآنی، می‌توان از آن استفاده کرد، نسخه‌ای چاپی از قرآن می‌باشد، که اکنون موجود باشد (به عنوان نمونه نک: الاکوسی، ۱۴۲۲: ۲۲؛ مدیرشانه‌چی، ۱۳۶۲: سراسرمتن).

در هر صورت، از اواسط این دوره، نسخه‌های کامل و فراوانی از قرآن مجید در سرتاسر جهان وجود دارد. مناسب است تا تصویر همه‌ی نسخه‌ها، قرن به قرن، جمع‌آوری شوند و تحقیق و تطبیق گردند. با این کار، ممکن است بسیاری از ابهامات استنادی برای قرآن تا قابل دسترس‌ترین نقطه تاریخ، مرتفع گردد.

همچنین نمونه‌های کهنی به خط کوفی به تاریخ ۴۶۶ قمری در موزه آستان قدس رضوی مشهد یافت می‌شود؛^۱ و یا نسخه‌ی «موزه توپقاپی» که به حدود سال ۴۸۴ قمری متعلق است.^۲

۵- دوره‌ی وجود اولین چاپ کامل مصحف قرآن کریم تا کنون

همان‌گونه که اشاره شد، در شناخت دقیق اولین قرآن چاپ شده و سال چاپ آن، اختلافاتی وجود دارد، اما اکنون چاپ ونیزی قرآن کریم، چاپ ۱۵۳۷م که تنها یک نسخه از آن باقی مانده است، شاید مطرح‌ترین اقوال باشد.

این متن قرآن، نخستین چاپ کامل از متن قرآن است که نخست بار در اروپا انتشار یافته است. مشخص نیست ملاک قرآن ونیز کدام نسخه‌ی خطی بوده و بر چه اساسی نوشته شده است. ظاهراً در این قرآن، کاتب هیچ عربی نمی‌دانسته است. به دلیل

۱. چندین جزوه قرآن دارای رقم «عثمان ابن حسین بن الوراق» که به مناسبت حسن خط و روشن بودن تاریخ آن‌ها، حائز اهمیت است، در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شوند (جدای از موزه و گنجینه قرآن آستان قدس رضوی، نک: بیانی، ۱۳۳۸: سراسرمتن).

۲. این نسخه توسط شخصی به نام عثمان ابن حسین بن الوراق غزنوی کتابت و تذهیب شده است. این قرآن خطی در حال حاضر در ترکیه و در موزه توپقاپی استانبول نگهداری می‌شود. کتابخانه، موزه و مرکز مجلس شورای اسلامی چندی پیش درخواست تهیه نسخه عکسی از این قرآن را به موزه توپقاپی داد که این پیشنهاد مورد موافقت قرار گرفت و از سوی مسئولان این موزه در ترکیه اسکن شد. (جدای از منشورات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نک: مفرچی، ۲۰۰۰: سراسرمتن).



اعراب گذاری نادرست آیات که تقریباً ۸۰ درصد آن علامت فتحه است، حدس می‌زنیم کاتب متن را تنها نقاشی کرده است. بنا به نقلی، تمام نسخ این قرآن به دستور پاپ سوزانده شده (فان مولر، ۲۱۲؛ فُن دِنْفِر، ۷) و تنها یک نسخه از آن باقی مانده است که اکنون در کتابخانه‌ی فرانسیسگن در سن‌میشل، شهر ونیز نگهداری می‌شود (کریمی‌نیا، ۱۳۹۱: ۶۳-۸۵).

اولین چاپ قرآن کریم در کشورهای اسلامی، به سال ۱۳۰۸ق از سوی شیخ رضوان بن محمد مخللاتی انجام گرفت (زینحار، ۱۳۷۳: ۵۷)؛ و پس از آن که پاره‌ای از زمینه‌ها یا اختلاف در نگارش آن پدید آمد، از سوی لجن‌های که وزارت فرهنگ مصر آن را منعقد ساخت، دوباره همان قرآن چاپی طبق قواعد رسم الخط مصحف تصحیح شد؛ که اعضای این لجنه، عبارت بودند از: حفنی ناصیف، احمد اسکندری و مصطفی عنانی. پس از آن که این تصحیح از سوی استاد مقرئین مصر، (شیخ محمد بن علی بن خلف حسینی) و نیز شیخ جامع الازهر، (شیخ محمد ابوالفضل) در دهم ربیع الاول ۱۳۳۷ق مورد تأیید قرار گرفت، به چاپ رسید (حسن، ۱۳۹۰: ۴۴).

اما نسخه‌ی قرآنی که امروزه در بین بیشتر کشورهای اسلامی، بخصوص «شرق سوئز» رایج است، نسخه‌ای از قرائت «حفص از عاصم» است که در دانشگاه الازهر در قاهره چاپ شد. در سال ۱۳۴۲ق (۱۹۲۳). قرآن بر طبق روایت حفص از قرائت عاصم و تحت نظر اساتید الازهر و تأیید کمیته‌ای که از سوی ملک فؤاد اول تعیین گردید، در قاهره به چاپ رسید. اعضای این کمیته عبارت بودند از: شیخ محمد علی نجار (استاد دانشکده زبان و ادبیات عرب)، شیخ عبدالحلیم بسیونی (مدیر دفتر رئیس جامع الازهر) و شیخ علی محمد ضباع (استاد مقرئین مصری) (فضلی، ۱۳۸۸: ۱۵۶).

باید توجه داشت حتی با وجود این ابهامات جزئی در قرآن‌های چاپی، می‌توان گفت: شناخته‌ترین و قابل دسترس‌ترین دوره برای بررسی دقیق مصحف قرآن کریم، به این دوره مربوط می‌شود. هر چند از سوی دیگر به علت تعدد بسیار و کثرت مصاحف و قرآن‌های چاپی موجود در این دوره مشخص، بررسی همه‌ی آن‌ها، بسیار وقت‌گیر و گسترده خواهد بود (به عنوان نمونه نک: مدیرشانه‌چی، ۱۳۶۲: سراسرمتن).

اما بررسی و اسناد تاریخی این مصاحف، به خاطر در دسترس بودن و نیز داشتن خطوط خواناتر، همانند مصاحف «کامل یا ناقص» ابتدایی و متقدم، ابهام‌آمیز و مناقشه برانگیز نخواهد بود. چرا که خطوط اولیه کتابت قرآن کریم، دارای مشکلات ساختاری

بسیار پیچیده‌ای هستند؛^۱ که بدون مراجعه به قرینه‌های تاریخی و روایی موجود در کتب علوم قرآنی^۲ و برخی کتب متأخر دیگر (از نگارش مصاحف متقدم)، قابل شناسایی و خوانش فی‌البداهه نیستند.^۳

۶- جایگاه توجه به دوره‌ها در مباحث عدم تحریف قرآن

اگر کسانی ادعای تحریف لفظی قرآن را بنمایند، رویکرد ما در پاسخگویی و اقناع مسئله بسیار مهم است. مثلاً می‌توانیم با کلی‌گویی و به صورت جدلی پاسخ اشکال‌کننده و قائل به تحریف قرآن را بدهیم؛ که در این موارد، غالباً پاسخگویی ما نامرتب، مناقشه‌آمیز و غیر اقناع‌کننده است. اما از سوی دیگر می‌توانیم با تمرکز بر دایره‌ی ادعا و جزئی نمودن مباحث، به صورت مرتبط و دقیق به مسئله‌ی عدم تحریف قرآن بپردازیم.

در حالت دوم، شناخت دوره‌های زمانی پس از نزول وحی و نسبت آن‌ها با مسئله تحریف لفظی، حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، لازم است مشخص کنیم مدعی، ادعای تحریف لفظی در چه دوره زمانی را دارد، تا به نسبت آن استدلال لازم را مطرح نماییم.

۱-۶- استدلال‌های پشتیبانی‌کننده عدم تحریف قرآن

برای تبیین جایگاه دوره‌های زمانی در مسئله تحریف، مناسب است به انواع استدلال‌های پیش‌رو برای پشتیبانی عدم تحریف قرآن، توجه داشته باشیم. برای اثبات عدم تحریف قرآن، از استدلال‌های متنوع و متفاوتی می‌توانیم استفاده نماییم که هر کدام از آن‌ها کاربست ویژه‌ی خود را دارند. برخی از این استدلال‌ها عبارتند از:

۱. در این نگارش‌ها، از حروف نبطی یا سریانی استفاده می‌شد. خط‌های نبطی و سریانی، هر دو از خط آرامی منشأ گرفته بودند. در این خط، ابهامات زیادی بود و حروف آن، بدون نقطه نوشته می‌شدند. در این خط، مصوت‌های کوتاه و برخی مصوت‌های بلند مانند «ا» در میان واژه‌ها نوشته نمی‌شد. برای نمونه در این خط ب، ن، ت، ث و ی همانند هم نوشته می‌شدند و یا ح، خ، ج و یا س و ش همانند بودند. همچنین، هیچ زبانی به اندازه زبان عربی از تغییر در حرکات کلمات و نیز عدم رعایت علایم و نشانه‌ها، دچار مشکل نمی‌گردد، چرا که «اعراب» در تفهیم مقصود الفاظ و عبارات، در این زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (نک: استادی، ۱۳۹۲: ۳۲ - ۳۵).

۲. به عنوان نمونه نک: یحیی بن یعمر، تاریخ التراث العربی. و نیز: اختلاف مصاحف الشام و الحجاز و العراق. و نیز: المقطوع و الموصول. و نیز: التیمی، عمار، الوقف و الابتداء. و نیز: همو، القراءات. و نیز: الفراء، یحیی بن زبید، اختلاف اهل الکوفه و البصره و الشام فی المصاحف و ...

۳. هم‌اکنون، بسیاری از خطوط گذشته (از مناطق مختلف جهان) وجود دارد، که هنوز خوانده نشده‌اند؛ زیرا قرینه‌هایی برای رمزگشایی آن‌ها باقی نمانده است. یکی از معایب خط حروفی، به نسبت خطوط تصویری، همین است که چون قراردادی می‌باشند، بدون آموزش یا وجود قرینه، قابل خواندن نیستند. به عکس خطوط تصویری، که چون همانندسازی از اشیاء طبیعی هستند، تا اندازه‌ای در اعصار دیگر هم قابل تشخیص‌اند. (نک: استادی، ۱۳۹۲: ۴۳).



الف - استدلال‌های کلامی و فلسفی درون دینی و برون دینی در اثبات عدم تحریف قرآن؛ همانند به کارگیری «قاعده لطف» و مانند آن.

ب - استناد و استدلال‌های باستان‌شناسی و نسخه‌شناسی نسخه‌های خطی قرآن برای اثبات عدم تحریف قرآن؛ همانند ارائه نسخه‌های خطی کهن و بررسی تطبیقی متن آن‌ها.

ج - ارایه‌ی شواهد و استدلال با استفاده از گزارشات تاریخی موجود در منابع متنوع کهن؛ همانند گزارشات جمع قرآن در دوره‌ی پیامبر ﷺ و خلفا.

د - به کارگیری و استناد به برخی از آیات قرآن و روایات امامان علیهم السلام یا اصحاب. همانند استناد به آیه حفظ (سوره حجر، آیه ۹) و یا روایات ارجاع معصومین علیهم السلام به قرآن موجود.

ه - انواع حوزه‌های استدلالی دیگر، که به خاطر اختصار از ذکر آن‌ها چشم‌پوشی می‌نماییم.

جدای از انواع استدلال‌ها و تفاوت جنس آن که بیان شد، رویکرد ما نیز در بیان استدلال در عدم تحریف قرآن بسیار مهم است. یعنی لازم است توجه کنیم، آیا پاسخ و توجیه درون دینی یا پاسخ برون دینی ارایه می‌دهیم، زیرا هر کدام لوازم خاص خود را داراست. به عنوان مثال نوع استدلال برای یک مسیحی پیرامون عدم تحریف قرآن، باید با نوع استدلال برای یک مسلمان متفاوت باشد؛ حتی نوع تبیین استدلال‌های پشتیبانی کننده‌ی عدم تحریف قرآن، برای مستشکلان مسلمان شیعی و مسلمان سنی، متفاوت می‌نماید.

۲-۶- تبیین توجه به جایگاه دوره‌های زمانی در مسئله تحریف

از مسائل و موضوعاتی که مباحث «عدم تحریف کتب آسمانی» و نیز «عدم تحریف قرآن» را مه‌آلود و غیر دقیق نموده است، پرداختن به موضوع تحریف یا عدم تحریف مصاحف، بدون مشخص نمودن محدوده‌ی زمانی بحث تحریف است.

روشن است که موضوع تدوین و انتقال کتب آسمانی و بویژه قرآن، دوره‌های زمانی مختلفی را طی نموده است، که ماهیت و نوع بررسی آن‌ها، می‌تواند در مسئله تحریف مصحف متفاوت باشد. این تفاوت به گونهای است که پاسخ‌گویی و استدلال بر عدم تحریف بر آن، دلایل و اسناد متفاوتی را از دوسوی منازعه، طلب می‌کند.

به طوری که در بسیاری موارد، مدعی، پیرامون گزاره‌ی «الف» سخن میراند و منکر، پیرامون «ب» پاسخ می‌دهد. این وضعیت نارسا در طرح مباحث تحریف، جدای از

نامشخص بودن مبنای موضوع تحریف در نزد دانشمندان می‌باشد.

بنابراین، برای پی بردن به اهمیت تقسیم‌بندی دوره‌های زمانی مشخص، پیرامون تحریف کتب آسمانی و بویژه قرآن، همین بس که با مطالعه‌ی کتب عدم تحریف قرآن با سلاقی مختلف، به روشنی می‌توان دریافت که برخی از دلایل مطرح شده در آن‌ها، متناسب با کلیت موضوع تحریف قرآن نیست. به این معنی که اگر موضوع تحریف قرآن را یک کل در نظر بگیریم، برخی از دلایل قائلان به عدم تحریف قرآن، جزئی است و نمی‌تواند مرتفع کننده‌ی آن ادعای کلی باشد. به عنوان مثال، اگر گزاره‌های اکنون بیان شود، تحت این عنوان:

«قرآن، تحریف لفظی شده است.» این عنوان، بسیار کلی است و می‌تواند شامل گزاره‌های زیر باشد:

- ۱- «قرآن، در زمان حیات پیامبر ﷺ تحریف لفظی شده است.»
- ۲- «قرآن، پس از حیات پیامبر ﷺ و در دوران خلفا، (و نیز پیش از آن) تحریف لفظی شده است.»
- ۳- «قرآن، در دوران حیات اهل بیت علیهم السلام (و نیز پیش از آن) تحریف لفظی شده است.»
- ۴- «قرآن، در دوران غیبت صغری و کبری (و نیز پیش از آن) تحریف لفظی شده است.»

۵- قرآن در دوره‌ی معاصر (و نیز پیش از آن) تحریف لفظی شده است.»
 تمامی این گزاره‌ها، می‌تواند مفهوم گزاره‌ی کلی «قرآن، تحریف لفظی شده است» را شامل شود.

اگر اکنون کسی با طرح این گزاره‌ی کلی «قرآن، تحریف لفظی شده است»، ادعا کند که قرآن تحریف شده است؛ و کسانی با رد این ادعا، به استناد این که پیشوایان معصوم علیهم السلام فرموده‌اند: در نماز سوره‌ی کامل بخوانید (خوبی، ۱۳۶۱: ۱۳۷) و یا به عنوان مثال همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، با استناد به دلایل روایی دیگری، همانند:

الف. روایات ارجاع‌دهنده به قرآن در فتنه‌ها و حدیث ثقلین.

همانند اخبار فراوانی که از پیامبر اکرم ﷺ از طریق راویان شیعه و اهل سنت نقل شده و



در آن فرمان داده شده است که مردم در فتنه‌ها و در حل مشکلات به قرآن مراجعه نمایند (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲: ۵۹۹)؛ و نیز حدیث «ثقلین»، که از طرق شیعه و اهل سنت به تواتر به ما رسیده است ... این دو دسته از اخبار دلیل بر عدم وقوع تحریف در قرآن است؛ چراکه امر به تمسک به کتابی تحریف شده و نفی گمراهی برای کسانی که بدان چنگ زنند، با یکدیگر سازگار نیستند. (الطباطبائی، ۱۴۰۳: ج ۱۲: ۱۰۷).

ب. روایات عرضه اخبار و احادیث بر قرآن.

معصومین علیهم السلام در روایات متعددی، قرآن را معیار و محکی استوار دانسته‌اند که با آن می‌توان اصالت و سلامت احادیث را تشخیص داد؛ از جمله این حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِّقَةً وَ عَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَذَعُوهُ» (کلینی، کافی، ج ۱، باب «الاحذ بالسنة و شواهد الكتاب») طبق مضمون روایات فراوانی که از طریق رسول خدا و ائمه اهل بیت علیهم السلام رسیده است، باید اخبار و احادیث را بر قرآن عرضه نمود و همین دلیل بر سلامت قرآن از تحریف است. (همان: ۱۰۷).

ج. تمسک اهل بیت به آیات گوناگون.

در روایاتی، ائمه اهل بیت علیهم السلام به آیاتی از قرآن، که عیناً با قرآن نزد ما مطابق است، تمسک کرده‌اند. این موارد حتی شامل آیاتی که اخبار آحاد مبنی بر تحریف قرآن درباره‌شان موجود است نیز می‌شود و این بهترین شاهد است بر این که مراد بسیاری از روایاتی که می‌فرماید: «کذا نزل: آیه این‌طور نازل شده است»، تفسیر بر حسب تنزیل و در مقابل بطن و تأویل است (همان: ۱۰۸).

د. تأیید صریح یا ضمنی مصحف رایج.

روایاتی از امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده، مبنی بر این که قرآن موجود در دست مردم همان قرآنی است که از سوی خدا نازل شده، هرچند با مصحف حضرت علی علیه السلام، که به خط خود تنظیم نموده، تفاوت دارد ... و از همین باب است که امامان علیهم السلام به شیعیان خود فرموده‌اند: «اقروا کما قرء الناس» (همان: ۱۰۸).

و بدون توجه به دوره‌های زمانی که بر قرآن از ابتدا تا کنون گذشته است، به طور کلی منکر تحریف قرآن شوند؛ و به دنبال آن ادعا نمایند که:

قرآنی که در اختیار ماست همان قرآنی است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده، بدون



آن‌که چیزی از اوصاف نیکو، آثار و برکاتش را از دست بدهد (همان: ۱۰۸).
 به نظر می‌رسد دامنه‌ی منطقی این ادعا و آن انکار، مطابق هم نیست. به این معنی که ادعای مدعی، شامل همه‌ی موارد و گزاره‌های زمانی تحریف قرآن نیستند و جواب مطرح شده، تنها شامل یک دوره‌ی زمانی محدود می‌باشد.
 این دلیل، در رد تحریف و اثبات عدم تحریف قرآن، تنها مناسب کسانی است که ادعا می‌کنند: «قرآن در زمان پیامبر ﷺ و یا خلفا، تحریف شده است»، و شامل محدوده‌ی زمانی پس از آن نمی‌گردد.
 همه‌ی این‌ها بیان شد تا ضرورت و اهمیت تقسیم‌بندی دوره‌های زمانی برای دسترسی به قرآن کریم از صدر اسلام تا کنون، مشخص شود. بنابراین، محققین موضوع عدم تحریف قرآن، نیازمند طرح و تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخی هستند که قرآن در آن سیر کرده است تا اکنون در دست ما قرار بگیرد.

نتیجه گیری

با توجه به برخی وقایع و رخداد‌های صدر اسلام تا کنون، می‌توان پنج دوره زمانی برای تاریخ اسلام به نسبت تحولات پیرامون مصحف قرآن و کتابت آن، ارائه نمود که عبارتند از: الف - دوره‌ی نزول وحی تا قبل از کتابت قرآن کریم. ب - دوره‌ی حضور پیامبر ﷺ و کتابت بخشی از مصحف قرآن کریم تا کتابت کامل و جمع آن. ج - دوره‌ی وجود کتابت کامل مصحف قرآن کریم تا ابتدای دوره‌ی غیبت کبری. د - دوره‌ی وجود کتابت کامل قرآن کریم پس از غیبت کبری تا ظهور چاپ کامل قرآن. هـ - دوره‌ی وجود اولین چاپ کامل مصحف قرآن کریم تا کنون.

به نظر می‌رسد هر چه دوره‌های زمانی نشر و کتابت قرآن از زمان نزول قرآن تا کنون، جزئی‌تر معرفی و مورد تحقیق و دقت قرار گیرند، بررسی و اظهار نظر پیرامون مسئله‌ی «تحریف» یا «عدم تحریف قرآن» و نیز مسائل دیگر پیرامون قرآن، روشن‌تر خواهد شد؛ به طوری که ممکن است بسیاری از مناقشات و ابهامات کلامی میان اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی به خودی خود، از بین برود و در برابر محققین، سپهر روشنی قرار خواهد گرفت.

بنابراین لازم است این دوره‌گذاری مقدماتی (احتمالاً همراه با نقص) در این نوشتار، توسط دیگر دانشمندان علوم قرآنی و یا علوم تاریخی، کامل‌تر و حتی جزئی‌تر شوند. همچنین مناسب است تفاوت‌ها و مقضاهای این دوره‌های زمانی، همراه با جزئیات آن، به صورت کتابی مستقل و مفصل در اختیار علاقمندان قرار گیرد. هرچند به صورت پراکنده، مطالب گوناگونی در کتب تاریخی و برخی کتب علوم قرآنی در این باره وجود دارد.

کتابنامه

به غیر از قرآن مجید

- ابن الندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۹۸ق)، *الفهرست*، بیروت: دارالمعرفه.
- ابن تیمیّه، احمد بن عبدالحلیم (بی‌تا)، *الجواب الصحیح لمن بدل دین المسیح*، تحقیق: علی سید صبح المدنی، مصر: مطبعة المدنی.
- ابن جزری، محمد بن محمد (بی‌تا)، *التشریح فی القراءات العشر*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن حزم، علی بن احمد (۱۴۰۵ق)، *الفصل فی الملل و الاہواء و النحل*، چاپ محمدابراهیم نصر، بیروت: دار الجیل.
- ابن قیم جوزی، محمد بن ابی‌بکر (۱۴۰۷ق)، *ہدایہ الحیاری فی اجوبہ الیہود و النصراری*، بیروت: دارالکتب العلمیة..
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- احمد بن حنبل (۱۴۱۶ق)، *مسند احمد*، بیروت: الرسالة.
- استادی، رضا (۱۳۹۶ش)، *آشنایی با تفاسیر به ضمیمه عدم تحریف قرآن*، قم: ارزشمند.
- استادی، کاظم (۱۳۹۲ش)، «ارتباط اختلاف قراءات با تحریف قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، س ۲۰، ش ۱، ۱۷۱-۱۴۶.
- استادی، کاظم (۱۳۹۴ش)، *تاریخچه تغییر خط*، قم: نشر مؤلف.
- ----- (۱۳۹۴ش)، *درآمدی بر فلسفه خط*، قم: نشر مؤلف.
- ----- (۱۳۹۶ش)، *کتابشناسی عدم تحریف قرآن*، قم: مشعر.
- امام‌الحرملین، عبدالملک بن عبدالله (۱۴۰۹ق)، *شفاء الغلیل فی بیان ما وقع فی التوراه و الانجیل من التبذیل*، قاهره: چاپ حجازی سقا.
- امین، احمد (۱۹۳۶م)، *ضحی الاسلام*، قاهره: بی‌نا.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۶ق)، *فرائد الاصول*، قم: جامعه مدرسین.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۳۶۴ق)، *کفایة الاصول*، تهران: اسلامیه.
- الألوسی، عادل محی‌الدین (۱۴۲۲ق)، *التراث العربی و المستشرقون*، قاهره: دارالفکر العربی.
- آندلسی، ابوحیان (۱۴۲۲ق)، *البحر المحیط*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بعثت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، *صحیح بخاری*، بیروت: دارالفکر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷ش)، *فتوح البلدان*، مترجم: محمد توکل، تهران: نقره. نیز: همان، (۱۴۰۳ق)، *بکوشش رضوان محمد رضوان*، بیروت: بی‌نا.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *انساب الاشراف*، بیروت: دارالفکر.
- بلاغی، محمدجواد (بی‌تا)، *آلاء الرحمن فی تفسیرالقرآن*، قم: مکتبه الوجدانی.
- بیانی، مهدی و مهدی بهرانی (۱۳۳۸ش)، *راهنمای گنجینه قرآن*، تهران: بی‌نا.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *انوار التنزیل أسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء.
- تازی، جلیل (۱۳۸۰ش)، «تأملی در تاریخ وفات پیامبر ﷺ»، تاریخ اسلام، بهار ش ۵: ۲۶-۳.
- تهرانی، آقا بزرگ (۱۹۷۵م)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.
- جهشیاری، محمد (۱۳۵۷ق)، *الوزراء و الکتاب*، به کوشش عبدالله اسماعیل صاوی، قاهره: بی‌نا.
- حجتی، سید محمد باقر (۱۳۸۶ش)، *پژوهشی در تاریخ قرآن*، تهران: دفتر نشر فرهنگ.
- حسن، عبدالحمید (۱۳۹۰ق)، *یادواره حفنی ناصیف*، قاهره: مجمع اللغة العربیة.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۰۱ق)، *البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالزهراء.
- ----- (۱۳۶۱ش)، *شناخت و اعجاز قرآن*، ترجمه نجمی و هریسی، تهران: اسوه.
- رامیار، محمود (۱۳۸۰ش)، *تاریخ قرآن*، تهران، امیر کبیر.



- رامین نژاد، رامین (۱۳۸۸ش)، *اسناد و دست نوشته‌های قرآنی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ربیبین، اندرو (۱۳۷۹ش)، «نگاهی به روش‌شناسی جان ونزیرو»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، پژوهش‌های قرآنی، پاییز و زمستان، ۶، ش ۲۳، صفحات ۱۹۰-۲۱۷.
- زرکشی، محمدبن عبدالله (۱۴۰۸ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالفکر.
- زمخشری، محمودبن عمر (۱۴۰۷ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
- زنجانی، ابوعبدالله (۱۴۰۴ق)، *تاریخ القرآن*، تهران: منظمه الاعلام الاسلامی.
- زینحار، احمد محمد (۱۳۷۳ق)، *السبیل الی ضبط کلمات التنزیل*، قاهره: مطبعة الازهر.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، *بحرالعلوم (تفسیر السمرقندی)*، بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۰۶ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، قاهره: بی‌نا. نیز: همان، (۱۴۰۸ق)، بیروت: عصریه.
- شاهین، عبدالصبور (۲۰۰۵م)، *تاریخ القرآن*، قاهره: نهضة مصر.
- صاحب بن عباد، اسماعیل (بی‌تا)، *المحیط فی اللغة*، بیروت: عالم الکتب.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۰ق)، *عیون اخبار الرضا*، نجف: المطبعة الحیدریه.
- الطباطبائی، محمّدحسین (۱۴۰۳ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵ش)، *تاریخ الطبری*، تهران: اساطیر.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۰۰ق)، *تفسیر طبری* (جامع البیان عن تأویل القرآن)، بیروت: چاپ افست.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتهدج*، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- عاملی، جعفرمرتضی (۱۴۱۳ق)، *حقایق هامة حول القرآن الکریم*، بیروت: دار الصفوة.
- عسکری، حسن (۱۴۰۹ق)، *التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد الحسن بن علی العسکری*، تحقیق محمدباقر ابطحی، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
- عسکری، مرتضی (۱۴۱۶ق)، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، قم: اصول الدین.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *تفسیر رازی*، بیروت: دار الاحیاء.
- فضلی، عبدالهادی (۱۳۸۸ش)، *مقدمهای بر تاریخ قراءات*، ترجمه محمد باقر حجتی، تهران: اسوه.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق)، *القاموس المحیط*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- فیض کاشانی، محمد بن محسن (۱۴۰۲ق)، *تفسیر صافی*، بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
- کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۱ش)، *سیر چاپ متن و ترجمه‌ی قرآن در اروپا* (بخش نخست)، ترجمان وحی، ش ۳۲، پاییز و زمستان.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گراهام، ویلیام (۱۳۷۹ش)، «ملاحظات بر کتاب مطالعات قرآنی»، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، آینه‌ی پژوهش، ش ۵، آذر و دی.
- ماوردی علی بن محمد (بی‌تا)، *النکت و العیون*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۴ش)، *مرآة العقول*، تهران: اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه‌الوفاء.
- مدیرشانهچی، کاظم (۱۳۶۲ش)، *قرآن‌های چاپی*، مشکات، بهار، شماره ۲.
- مرادی، حمیدرضا (۱۳۸۸ش)، *معجزه قرآن در عصر حاضر*، قم: نور علی نور.
- مسعودی، علیبن حسین (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، بیروت: دارالهجره. نیز: همان، (۱۹۸۵م)، بیروت: دارالاندلس.
- مسلم بن حجاج (بی‌تا)، *صحیح مسلم*، بی‌جا: بی‌نا.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۷۱ش)، *آموزش علوم قرآن؛ ترجمه التمهید فی علوم القرآن*، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۹۰ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: سمت.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷ش)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مفرجی، اوغلی (۲۰۰۰م)، *کتابشناسی جهانی نسخه‌های خطی قرآن کریم*، استانبول: بی‌نا.

- مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق)، *المقنعه*، قم: کنگره‌ی جهانی شیخ مفید.
- مقریزی، احمدبن علی (۱۴۲۰ق)؛ *امتاع الاسماع*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ناصحان، علی اصغر (۱۳۸۴ش)، *نزول دفعی قرآن، شبهات و پاسخ‌ها*، آموزه‌های فقهی، ش ۱۷.
- ناصحان، علی اصغر (۱۳۹۰ش)، *کاوشی نو در جمع قرآن*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- نلُدکه، تئودور (۱۳۸۴ش)، *نقد و بررسی روایات جمع قرآن، بازنگاری فریدریش شوالی*، ترجمه‌ی مرتضی کریمی‌نیا، علوم حدیث، ش ۲۰۱.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: موسسه آل بیت علیهم‌السلام.
- واتقیراد، محمد حسین (۱۳۹۱ش)، *بازخوانی اتمی بودن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*، پژوهش‌های علوم تاریخی، ش ۲.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۹ق)، *اسباب النزول*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق)، *المغازی*، بیروت: الاعلمی.
- یعقوبی، احمد بن واضح (بی‌تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دارالصادر.